

کنوزالمطالب
فی کشف رموز المکاسب
شرحی نو بر مکاسب شیخ انصاری
(جلد هفتم)

محمد مهدی اسلامی
استاد حوزه و دانشگاه

۱۵۸۵۵۴۴

انتشارات مناره



سرشناسه: اسلامی، محمد مهدی، ۱۳۴۸
 عنوان و نام پدیدآور: کنوزالمطالب فی کشف رموزالمکاسب؛
 شرحی نو بر مکاسب شیخ انصاری / محمد مهدی اسلامی
 مشخصات نشر: انتشارات مناره، ۱۳۹۶
 شابک دوره: ۹۶۶۱۲-۶-۹-۹۷۸-۶۰۰-۹۹۶۱۲-۶-۹
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۶۱۲-۵-۲-۵-۲ (ج. ۷)
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۲
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۷۰۴۲۲۲ ۸م۰۱/۱ BP
 شماره یا حاسی ملی: ۴۴۸۱۲۲۷

عنوان: کنوزالمطالب فی کشف رموز	المکاسب (جلد هفتم)
مؤلف: محمد مهدی اسلامی	
محقق: سید احمد سجادی	
ناشر: انتشارات مناره	
تاریخ نشر: ۱۳۹۶	
نوبت چاپ: اول	
شمارگان: ۵۰۰	
قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال	
تلفن مرکز پخش: ۰۲۱۵۵۶۵۱۶۵۳-۰۹۱۲۵۲۴۲۲۷۴	
www.menarehpub.com	

فهرست

پیشگفتار.....	۱۳
مقدمه.....	۲۱
درس دویست و بیست و سوم	
مورد بیستم از نوع چهارم، کتاب محرمه: لَهو و لَعِب، و بَطَالَت.....	۲۹
درس دویست و بیست و چهارم	
بررسی سخن صاحب ریاض ^(ره) - روایت علاء الدین.....	۳۵
درس دویست و بیست و پنجم	
روایات و آیات دالّه بر حرمت لَهو و لَعِب.....	۴۳
درس دویست و بیست و ششم	
ادامه روایات و آیات دالّه بر حرمت لَهو و لَعِب.....	۵۱
درس دویست و بیست و هفتم	
تحقیقاتی بیشتر، حول معانی لَهو و لعب و لغو.....	۵۹
درس دویست و بیست و هشتم	
تَبَيَّنَةُ تحقیق شیخ انصاری ^(ره) حول معنای لغو.....	۶۹
درس دویست و بیست و نهم	
مورد بیست و یکم از نوع چهارم مکاسب محرّمه: مدح غیر مستحقّ مدح.....	۷۹

درس دویست و سی ام

مورد بیست و دوم از نوع چهارم مکاسب محرمه: یاری ستمگران ۸۷

درس دویست و سی و یکم

حکم یاری ستمگران در اموری غیر از ظلم و ستم ۹۵

درس دویست و سی و دوم

روایت صفوان جمال و هارون الرشید؛ و برخی اخبار دیگر ۱۰۵

درس دویست و سی و سوم

بررسی دلالت روایات مذکوره در باب حرمت معونت ظالمین ۱۱۳

درس دویست و سی و چهارم

مورد بیست و سوم: بحث بازار گرمی، بازار سیاه، مزایده کاذب برای کالا ۱۲۱

درس دویست و سی و پنجم

مورد بیست و چهارم، از نوع چهارم محرمه: نمیه یا خبرچینی ۱۲۷

درس دویست و سی و ششم

تعریف عام از نمیه یا سخن چینی - و بحث سباحت و عین ۱۳۵

درس دویست و سی و هفتم

مورد بیست و پنجم از نوع چهارم مکاسب محرمه: نوحه خوانی، باطل ۱۴۵

درس دویست و سی و هشتم

مورد بیست و ششم از نوع چهارم مکاسب محرمه: ولایت از سوی جائز ۱۵۳

درس دویست و سی و نهم

آیا حرمت ولایت از قبل جائز، نفسی است یا غیری؟ ۱۶۱

درس دویست و چهلم

مُسَوِّغَات یا مُجَوِّزَات قبول ولایت از قبل حاکم جائز ۱۶۹

درس دویست و چهل و یکم

برخی روایات دالّه بر جواز قبول ولایت جائز، جهّت قیام به مصالح عباد ۱۷۵

درس دویست و چهل و دوم

ادامه روایات دالّه بر جواز قبول ولایت جائز - روایات علی بن یقطین ۱۸۳

درس دویست و چهل و سوم

ادامه روایات دالّه بر جواز قبول ولایت جائز - اقسام ولایت غیر محزّمه ۱۹۱

درس دویست و چهل و چهارم

ادامه اقسام ولایت غیر محزّمه - قبول ولایت واجبه ۲۰۱

درس دویست و چهل و پنجم

ادامه توجیه شیخ^(۱) برای قول به عدم وجوب - و اقوال دیگر فقهاء ۲۱۱

درس دویست و چهل و ششم

ادامه نقد گفتار مرحوم صاحب^(۲) ۲۱۹

درس دویست و چهل و هفتم

ادامه نقد گفتار مرحوم صاحب^(۳) جواهر(ره) - اشکالات دوم تا چهارم ۲۲۵

درس دویست و چهل و هشتم

بهترین توجیه قول به استحباب - و دومین مسوّل ولایت حرام ۲۳۳

درس دویست و چهل و نهم

تنبیهاست خمس، یا پنج نکته پیرامون إکراه و اجبار ۲۴۱

درس دویست و پنجاهم

دفع یک توقّف، توسط مرحوم شیخ انصاری^(۴) ۲۵۱

درس دویست و پنجاه و یکم

تنبيه دوم از تنبیهاست خمس: ملاک تحقق إکراه ۲۶۱

درس دویست و پنجاه و دوم

۲۷۱ خدشه مرحوم شیخ^(ره) بر اطلاق جواز ارتکاب تبیعات ولایت اکراهی

درس دویست و پنجاه و سوم

۲۷۷ تفاوت دو عنوان اکراه و دفع ضرر - و موارد تعارض

درس دویست و پنجاه و چهارم

۲۸۵ تنبیه سوم از تنبیهاست خمس: اعتبار یا عدم اعتبار تفصی = رهایی جستن

درس دویست و پنجاه و پنجم

۲۹۳ ادامه بر روی سخن محقق^(ره) و بحث حول اعتبار یا عدم اعتبار تفصی

درس دویست و پنجاه و ششم

۳۰۳ ادامه تنبیه پنجم از تنبیهاست خمس: خونریزی در صورت اکراه

درس دویست و پنجاه و هفتم

۳۱۱ خاتمه: در اخلاق کارگزاران

درس دویست و پنجاه و هشتم

۳۲۱ ادامه حدیث کشف الریبه، در اخلاق کارگزاران - برخورد با مردم

درس دویست و پنجاه و نهم

۳۲۷ ادامه حدیث کشف الریبه: پرهیز از نا اهل، و لزوم معاشرت با اهل

۳۳۵ منابع

پیشگفتار

چون افدناح این دفتر، مصادف با فرخنده شب عید سعید غدیر شد چند حدیث شریف علوی (علیه السلام) در اهمیّت فقه و احکام مکاسب ذکر می شود.

قال علی (علیه السلام): مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْهِ فَقَدْ ارْتَضَمَ فِي الرُّبَا؛ هرکس بدون آگاهی از فقه، اقدام به کسب و تجارت کند گرفتار ربا می گردد.

إِنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أُرِيدُ التَّجَارَةَ. قَالَ (عليه السلام): أَفَقِهْتَ فِي دِينِ اللَّهِ؟ قَالَ: يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ. قَالَ (عليه السلام): رَحِمَكَ اللَّهُ! الْفَقْهُ ثُمَّ الْمَتَجَرُ؛ فَإِنَّهُ مَنْ بَاعَ وَ اشْتَرَى وَ لَمْ يُسْأَلْ عَنْ حَرَامٍ وَ لَا حَلَالٍ ارْتَضَمَ فِي الرُّبَا ثُمَّ مَسَمُ. ^۱؛ مردی نزد امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمد و عرض کرد: می خواهم تجارت پیشه کنم. حضرت فرمودند: آیا احکام فقه دین خدا را دانسته ای؟ مرد گفت: (إن شاء الله) بعد از این خواهم آموخت. حضرت فرمودند: وای بر تو! اوّل فقه، آنگاه تجارت؛ زیرا هرکس بفروشد و بخرد و از مسائل حرام و حلال آن نپرسد، در کام ربا و حرام فرو افتد، و بد فرو افتد!

قال علی (عليه السلام): مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْهِ تَوَرَّطَ فِي الشُّبُهَاتِ ^۲ هرکس بدون فقه، تجارت کند، در وَرَطَة (گودال گل و لای) شبهه ها گرفتار آید.

۱. غُرُورُ الْحَكِيمِ وَ دُزُرُ الْكَلِيمِ، عبدالواحد آمیدی، دارالکتاب الإسلامی، ص ۶۱۳ ش ۷۵۱

۲. مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ، محدث نوری (ره)، ج ۱۳ ص ۲۴۷

۳. مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ، محدث نوری (ره)، ج ۱۳ ص ۲۴۸

شرح حال مختصری از مصنف کتاب مکاسب، مرحوم شیخ مرتضیٰ انصاری^(۹) ترجیح دادیم که شرح حال آن بزرگوار را از قلم مرحوم مدرّس تبریزی در ریحانة الأدب نقل کنیم، که مدت ۱۲ سال، زاهدانه و گمنام، در حجره‌ای در جنب مدرسه علمیه مروی، در مدرسه سپهسالار قدیم مشغول تألیف این کتاب و دیگر کتب بود:

«شیخ مُرتَضَی بن محمد امین شوشتری، دزفولِی المُولَدِ و المَنشَأُ، نجفی المَسکِنِ و المَدفِنِ، انصاری القبیلة و الشهرة، افضل علمای راسخین و اکمل فقهای ربّانیین، خاتم الفقهاء و المجتهدين... نسب شریفش به جابر بن عبدالله انصاری موصول می‌شود. در سال ۱۲۱۴ ق در شهر دزفول از توابع شوش متولد شد، در نزد عموی خود شیخ حسین که از اکابر علمای آن شهر بوده، حدود بیست سالگی به تحصیل علم پرداخت، پس در مصاحبت والد ماجد خود با زیارت ائمه عراق (علیه السلام) رفت.

در کربلای معالی به زیارت سید مجاهد (سید محمد طباطبائی) صاحب مناهل - که او و شریف المدامّ مازندرانی، دو رئیس مذهبی وقت بودند - رفت. در مجمع جمعی از فضلا بعضی از مسائل علمیه مطرح و مذاکره شد، که هر یک از ایشان موافق فهم خود اظهار عقیده می‌کردند، در خاتمه شیخ مرتضی^(۹) هم اظهار عقیده کرده و تفسیری ادعا می‌نمود که مورد شگفتی و حیرت سید مجاهد واقع گردید، پس رسید مجاهد [پدر شیخ را فرمود که: «شما بعد از زیارت، به وطن خودتان برگشته و این چند روزه که به تحصیلات علمیه بپردازد»، او هم اطاعت نمود.

شیخ، تا چهار سال بعد از مراجعت پدر، حاضر در درس سید مجاهد و شریف العلما می‌شد، تا آنکه "داود پاشا" والی بغداد، از طرف سلطان روم (عثمانی) به محاصره و تسخیر کربلا مأمور شد و در نتیجه، محصلین و علماء و اکثر مجاورین آن ارض اقدس به بلده کاطمین (علیه السلام) مهاجرت

۱ - از حُسن قضاء الهی اینکه: ولادت شیخ انصاری در روز عید غدیر رخ داده است.

کردند، شیخ هم در جمله مهاجرین، چند روزی در آنجا اقامت کرد تا آنکه با جمعی از اهل وطن خود - که به زیارت عتبات آمده و به جهت عدم امکان زیارت کربلا عازم مراجعت بودند - به وطن خود رفته و دو سال اقامت کرد؛ باز برای تکمیل تحصیلات علمیه مراجعت به عراق را تصمیم داد... [پس دوباره] شیخ عازم عراق گردید، یک سال نیز حاضر در درس شریف العلما بود، سپس به نجف رفته و در حوزه فقیه محقق «شیخ موسی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء»^(۵) حاضر شد و به فاصله دو سال باز به وطن خود رفت و بعد از دو سال دیگر عازم زیارت مشهد مقدس رضوی^(علیه السلام) گردید، و در کاشان با صاحب مناهج که رئیس کل علمی آن سامان بوده ملاقات نمود، سه سال هم در آنجا اقامت کرد و تصنیف و مباحثه اشتغال ورزید، صاحب مناهج نیز مقدم او را غنیّت نمرد و مباحثات علمی با او را مایل بود و به مراتب فضل وی اعتماد کامل دانست و می گفت که: «در این همه مسافرت های مختلفه، پنجاه تن عالم مجتهد دیدم که هیچ يك از ایشان مانند شیخ مرتضی^(۶) نمی باشد.»

جریان مرجعیت شیخ انصاری^(۷)

شیخ بعد از سه سال، به مشهد مقدس رفت، چندی مابقی هم در آن ارض اقدس اقامت کرد، باز به وطن خود برگشت. به فاصله پنج سال دیگر، عازم نجف اشرف گردید، اهالی برای ممانعت از عقب وی رفتند ولی اصرارشان سودی نداشت، عاقبت با نذر کردن زیارت ائمه عراق^(علیه السلام) اعتذار جست، در سال ۱۲۴۹ ق در اوقات ریاست علمیه صاحب جواهر (شیخ محمدحسن نجفی) و شیخ علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء (محقق ثالث) وارد عراق شد، چند ماهی در حوزه درس شیخ علی (محقق ثالث) حاضر گردید، بعد از آن دیگر حاضر در هیچ حوزه نشد و بطور استقلال بنای تدریس و تصنیف گذاشت تا آنکه شیخ علی هم وفات یافته و به فاصله چند سالی صاحب جواهر نیز در سال ۱۲۶۶ ق بدرود جهان گفت و ریاست مطلقه علمیه مذهبیّه بدون معاون و مشارک بدو منتهی شد و آوازه علم و فضل و زهد

و ورع و تقوی و عبادت او در تمامی بلاد شیعه انتشار یافت و مرجع تقلید تمامی شیعه مذهبان گردید.

صفات و مقام علمی شیخ انصاری^(۹)

در حفظ، سرعت انتقال، استقامت ذهن، حل اشکالات علمی، شهامت نفس و بلندی همت، وحید عصر خود بود؛ بلکه در قرون و ادوار گذشته نیز کمتر قرینی داشته است. در علم اصول فقه، تأسیسی کرد که در آن رشته مبتکر [بوده] و نظیر آن دیده نشده است ...

شدت زهد، تقوای شیخ انصاری^(۱۰)

اکثر وجوهات سریعیه از اطراف و اکناف تمامی بلاد شیعه بر حضرتش می‌فرستادند و همه آنها را به فقراء و ارباب محتاج و مصارف دینی می‌رسانید و خودش مثل یکی از ایشان امرار حیات می‌نمود، و در ضروریات خود، تنها به اندازه يك فقیر مقتصد صرف می‌کرد، تا جائیکه دو دخترش بعد از وفات او قدرت قیام به لوازم معمولی اقامه عزرا را نداشتند و یکی از اشراف، شش روز و شب، به تمامی وظائف و ایام مجلس ختم و ترحیم و تعزیه‌داری او قیام نمود. از بعضی مُتَمَدِّین مسموعم افتاد که: «تمامی متروکات وی معادل هفده تومان پول ایرانی بوده! و همان مقدار هم قرض‌دار بوده است»^(۱۱) به نظر این نگارنده (مدرس تبریزی) همین قضیه را شیخ حسن مامقانی در صفحه اول حاشیه مکاسب خود نگاشته است...

بعضی از اصحابش، در موضوع اهتمام تمامی که وی در این باب به فقراء [به ایشان] داشته تمجیدش نمودند، در پاسخ فرمود که: «این مطلب، و سائر احادیث و کرامتی نمی‌باشد! زیرا وظیفه هر يك از عوام و مردمان بازاری هم این است که امانت را به صاحبش برسانند، اینها هم حقوق فقرا و امانت ایشان است که من به صاحبانش می‌رسانم.

تألیفات و تصنیفات شیخ انصاری^(۱۲)

مُصَنَّفَات شیخ مرتضی^(۱۳) بسیار و در تمامی اقطار عالم در نهایت اشتهار هستند، وی دارای تحقیقات رشيقه (زیبا و دقیق) و تدقیقات عمیق بود و مؤلفاتش مورد اعتناء تام اکابر

علمای اسلام و محلّ استفادۀ افاضل فقهای اعلام می‌باشد، که با فهم عبارات و حلّ رموز و دقایق آنها افتخار می‌نمایند، و از آن جمله است (به ترتیب الفبا):

۱. اثبات التّسامح فی ادلّة السُّنن ۲. الارث ۳. الاستصحاب ۴. أصالة البرائة ۵. التّعادل و التّرجیح ۶. التّقیة ۷. التّیّم الاستدلالی ۸. حجّیت ظنّ ۹. حجّیت قطع ۱۰. الخمس ۱۱. الرّضاع ۱۲. الزّکوة ۱۳. الصّلوٰة ۱۴. الطّهارة ۱۵. المتاجر [أو] المکاسب ۱۶. الموسعة و المضایقة (در وسعت وقت قضاء عبادات، یا ضیق و فوریت آن) و غیر اینها، رساله‌های متفرقه در موضوعات مختلفه دارد و کتاب رجالی هم تألیف کرده که... از وجیزه مجلسی بزرگتر بوده و تقریباً به اندازهٔ خلاصه علامه می‌باشد. استصحاب و أصالة برائت و تعادل و ترجیح و حجّیت قطع و حجّیت ظنّ بارها در تدبیر و طهران در یک جا چاپ شده و به فرائد الاصول موسوم و به رسائل معروف و از کتابهای درسی بهائی می‌باشد.

وفات شیخ انصاری^(ه)

شیخ مرتضی^(ه) شب شنبه شانزدهم با هجدهم جمادی الآخره ۱۲۸۱ ق در ۶۷ سالگی در نجف وفات یافت و در حجره طرف راست در قبله صحن مقدّس مرتضوی^(علیه السلام) در جوار شیخ حسین نجفی^(ه) - که در زهد و صلاح و عبادت نظیرش بوده و سید مهدی بحر العلوم^(ه) آرزو می‌کرده که نماز جنازه‌اش را او بخواند - مدفون گردید.

ماده تاریخ ابجدی وفات و ولادت شیخ

عدد [ابجدی] جمله «ظَهَرَ الْفَسَادُ» (= ۱۲۸۱) تاریخ سال وفات اوست، و شیخ منصور برادر خود شیخ مرتضی در تاریخ ولادت و وفات او گوید:

«غدیر» (= ۱۲۱۴) سال ولادت و «فراغ» (= ۱۲۸۱) سال وفات اوست

مدت عمرش شصت و هفت سال بود، و عجیب است که [عدد ابجدی] لفظ «شصت و

هفت» هم معادل رقم ۱۲۸۱ است که سال وفاتش می‌باشد!...»^۱